



امن از مکر الله در کتاب و سنت

آیت الله محمدی گیلانی

* بحث در اثر تشریحی امن از مکر الله مستلزم بحث در موضوع وسیعتری یعنی مطلق معصیت کبیره است * تعریف معصیت کبیره آراء گوناگونی را موجب شده * گروهی از فقهاء عظام تقسیم معاصی را بکبیره و صغیره انکار کرده اند * نقل دلیل آنان ورد بر آن * روایت لطیفی در این باب * اکثر فقهاء معتقد بانقسام معاصی بکبیره و صغیره میباشند * قول مشهور در تعریف کبیره آن است که بر ارتکاب آن تهدید بآتش یا عقاب شده * آراء منقول در حدائق در تعریف کبیره بالغ بر هشت است * نظر حضرت امام اقامت مدظله در تحریر الوسیله و آماری از معاصی کبیره مذکور در تحریر * نقل روایت حضرت سید عبدالعظیم حسنی علیه السلام از جواد الائمه علیه الصلوة والسلام بوسیله امام رضا و امام کاظم علیهما السلام از امام صادق علیه السلام.

رسال جامع علوم انسانی

اثر تشریحی امن از مکر الله:

از آنجائیکه این صفت الحادی در حوزه تشریح احکام الهی، صاحب اثر است، مناسب دیدیم درباره اثر تشریحی آن از نظر فقه اسلامی، بحثی در حوصله مقاله طرح کنیم، و مراد ما از اثر تشریحی مترتب بر این رذیله، حرمان از مناصب و مزایائی است که واجد این رذیله بآن محکوم است چه امن از مکر الله در

اثر تشریحی امن از مکر الله عزوجل در منطق قرآن مجید در چندین مقاله مورد بحث قرار گرفت، و گفتیم ریشه این صفت رذیله پوچ انگاری آفرینش است که با ادعای اسلام و ایمان نیز قابل جمع است، زیرا دعوی ایمان و اسلام از واقعیت و وجود عینی آنها انفکاک پذیر است.

تشریحات اسلامی از معاصی کبیره شمرده شده است و هر معصیت کبیره‌ای مستلزم فسق و خروج از حیطة وثوق و عدالت است، و هر منصبی که طبع آن، اقتضا دارد که متصدی آن باید از عدالت و وثوق لازم برخوردار باشد، بمرتکب کبیره برگزار نمیشود، پس واجد این رذیله که مصداق مرتکب کبیره است، از مناصب موصوف محروم است و تصدی آن مناصب بروی حرام می باشد.

و بنا بر این، بحث درباره اثر تشریحی امن از مکر الله، مستلزم بحث در موضوع وسیعتری است و این موضوع وسیعتر همان معصیت کبیره است که امن از مکر الله، مصداقی از آن است و بدیهی است که اثر شرعی مترتب بر طبیعی معصیت کبیره، بر همه مصادیق و جزئیات آن، مترتب میشود، و قاعده: «حکم الامثال فیما یجوز و فیما لا یجوز، واحد» چنانچه در امور تکوینی جاری است، در امور تشریحی نیز جاری است، مگر آنکه از طریق شرع استثنائی ثابت شود که متبع است.

تعریف معصیت کبیره:

عدالت شرعیّه با تعریفهای مختلفی که برای آن در کتب فقهیه شده است، تردیدی نیست که با ارتکاب معصیت کبیره زائل میشود و مرتکب کبیره بفسق که ضد عدالت است محکوم می گردد، و شیخ اعظم انصاری رضوان الله علیه در رساله عدالت میفرماید: «فقهاء عظام و مدارک صریح آنان در باب عدالت مانند نصوص و فتاوی متفقند که با ارتکاب کبیره، عدالت زائل میشود، و فسق که ضد عدالت است پدید میآید».

و اما در تفسیر معصیت کبیره، اختلاف چشمگیری، میان فقهاء عظام - زادهم الله عزّة و کرامه - دیده میشود که اجمالاً بآراء چندی اشاره میشود و رأی حضرت امام امت مدظله العالی را در تحریر الوسیله نیز نقل می کنیم و روایات مربوطه را در حد ظرفیت مقاله عرضه خواهیم داشت.

گروهی از فقهای عظام تقسیم معاصی را به کبیره و صغیره انکار فرموده اند، این عظام می گویند: هر گناه و معصیتی کبیره است، التهایه بعضی از آنها نسبت به بعضی دیگر بزرگتر است و در میان معاصی، صغیره‌ای وجود ندارد، بلکه صغیره بودن یک معنای نسبی و اضافی نسبت بگناه بزرگتر از خود میباشد و ممکن

است همین صغیره نسبی و اضافی، بقیاس با گناه کوچکتر از آن، کبیره محسوب شود، نظیر سرعت و بطء یعنی تندی و کندی در حرکات که از معانی اضافیه بوده و سریع و بطئیء معروض این معنی اضافی هستند که حدّ هر یک بردیگری در ظرف عروضی نسبی مانند نسبت آن صدق میکند، چه بطئیء بعینه، نسبت به بطئیء تر از خود، سریع، و سریع بعینه، نسبت بسریعتر از خود بطئیء است.

کبر و صغر معاصی نیز چنین است که هر یک بردیگری در ظرف عروضی نسبی مشابه نسبت آن، صدق می کند، گفته میشود که این قول در میان قدماء از فقهاء معروف بوده و شیخ مفید و قاضی ابن براج و ابی الصلاح حلبی و شیخ الطائفه در عده الاصول و ابوعلی طبرسی در مجمع البیان و ابن ادریس در سرائر قدمت اسرار هم این رأی را پذیرفته اند، و ادله‌ای که بر آن میتوان اقامه نمود بدینقرار است:

۱- قوله تعالی: «وَقَنْ تَقِصَّ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ وَتَعْتَدْ حُدُوْدَهُ يَدْخُلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيْهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ» - (نساء: ۱۴). «اگر کسی خدا و رسولش را نافرمانی کند و از حدود الهی تجاوز نماید او را داخل آتش مینماید که برای همیشه در آن گرفتار است و عذاب خوارکننده برای او حتمی است» ظاهر آیه شریفه این است که هر معصیتی، استحقاق جهنم را موجب میشود و گناهی که بر آن آتش و عده داده شده گناه بزرگ است و بنا بر این هر گناهی گناه کبیره است.

۲- روایات وارده در این باب و از آنجمله صحیحه حلبی از امام صادق علیه السلام در قنوت نماز وتر است که بعد از بیانی فرمودند: «و استغفر لذنبک العظیم ثم قال: کلّ ذنب عظیم» - (وسائل باب ۴۶ از ابواب جهاد نفس. خبر ۵ ج ۱۱ طبع جدید). «برای گناه بزرگ خویش استغفار کن - سپس فرمودند: هر گناهی بزرگ است».

این روایت در دلالتش بر کبیره بودن هر گناهی ظهور غیر قابل تردید دارد.

و دیگر روایت زراره از امام باقر علیه السلام است که فرمودند: «الذنوبُ کلّها شدیة» - (یعنی همه گناهان شدید است) - (خبر ۳ باب ۴۰ از ابواب جهاد نفس). و در باب ۴۳ روایاتی قریب باین مضمون آمده است. و خبر مروی از مستدرک الوسائل: «لا تنظر الی ما عصیت بل انظر الی من عصیت» - «نگاه نکن باینکه چه گناهی کرده‌ای، بلکه نگاه کن بین چه کسی را معصیت کرده‌ای»

ظاهر در این است که میزان کبیره بودن، کبر مقام عصیان شده است، و چون خداوند متعال، اکبر مطلق است هرنافرمانی نسبت باستان اقدسش، کبیر و بزرگ میباشد، اگرچه عرفاً کوچکترین گناه شمرده شود.

روایت اخیر به بسیار لطیف است، زیرا شدت قبح عمل دارای اسبابی است که جملگی بنحوی بی پایان در قبح عمل عبد با خداوند متعال، موجود است. باین توضیح که اگر انسان یک عمل قبیحی نسبت به مسایه خویش انجام دهد، عقلاً او را تقبیح می کنند و چنانچه طرف، از علما پرهیزکار باشد قبح عمل در نزد عقلاً بیشتر است و هر اندازه وجاهت و جلالت طرف بیشتر باشد، قبح و شناعة عمل خلاف، طبعاً شدیدتر است، و چنانچه این مخالفت، باجمیل نامتناهی و جلیل بی پایان انجام پذیرد، بالضرورة قبح آن نیز بی پایان است، و از این رو معیار عظمت و کبر معصیت را باید شخص عصیان شده دانست، اگرچه عصیان، در محیط عرف عمومی، عصیان معمولی باشد و از نظر عامه گناه کوچک بحساب آید و طبق روایت شیخ طوسی (ره) درامالی، رسول الله صلی الله علیه وآله به ابوذر فرمودند: «یا اباذر لا تنظر الی صغر الخطیئة ولیکن انظر الی من عصبت» (مستدرک الوسائل باب ۴۳ از ابواب جهاد النفس غیر ۸).

۳- وجوه دیگری ذکر شده از آنجمله اینکه اخبار وارده درباره کبائر آنچنان مختلف و متعارضند که امید جمع معقولی بین آنها نیست، و چون این وجوه قابل استناد نبوده از ذکر آنها خودداری گردید.

این رأی مورد قبول اکثر فقهای عظام زاده هم الله عزه و کرامه واقع نگردیده زیرا ادله قائم بر آن مخدوش است چه مورد بحث، کبر و صغر معاصی باقطع نظر از شخص عصیان شده است، و وجه نظر اخبار مورد استدلال، شخص عصیان شده است، مضافاً باینکه این اخبار معارض با اخباری است که از نظر سند و دلالت و عدد، بر آنها رجحان دارند، و بعلاوه این اخبار با ظاهر قرآن کریم مخالف است زیرا ظاهر آیه «ان تجتنبوا کبائرنا تنهون عنه» است: ۳۵. انقسام معاصی به کبیره و صغیره است که در صورت اجتناب از کبائر، صفائت و سیئات تکفیر و زدوده میشود.

و اما آیه «ومن بعض الله ورسوله» اگرچه ظهور ابتدائی آن تلازم بین مطلق عصیان و ادخال در آتش است ولی با ملاحظه عطف «ومن يتعد حدوده» اطلاق ابتدائی مقید میشود به عصیانی

که تعدی و تجاوز از حدود الله برآن تطبیق کند و اما مبتجاوز از حدی یا مرتکب معصیتی، از نطاق آیه شریفه برون است، لذا اکثر فقهای معتقد بانقسام معاصی به کبیره و صغیره شده اند و در تحدید کبیره اختلاف کرده اند، گروهی گفته اند: کبیره هرگناهی است که خداوند متعال در قرآن کریم بر ارتکاب آن تهدید به عقاب نار فرموده اند و این قول مشهور است و گروهی گفته اند: هرگناهی است که شارع تعالی بر ارتکاب آن حدی مترتب کرده یا صریحاً مورد تهدید قرار داده است، و در حدائق عدد آراء را به هشت رسانیده اند و گفته اند که اقوال کثیری نیز منسوب باهل سنت است ولی نقل فرموده اند.

نظر حضرت امام در مورد گناهان کبیره:

حضرت امام امت مدظله العالی در تحریر الوسیله در تحدید معصیت کبیره بیانی دارند که ترجمه آن، باین شرح است: «کبائر هر معصیتی است که بر ارتکاب آن تهدید بآتش یا عقاب شده، یا اهتمام و تشدید عظیم در نهی از آن بعمل آمده، یا دلیلی دلالت نماید بر اینکه معصیتی بزرگتر از بعضی کبائر با همانند آن است، یا عقل مستغلاً بکبیره بودنش حکم کند یا کبیره بودنش مغروس اذهان مشرعیان است و بانصی بر کبیره بودنش وارد شده باشد.

و معاصی کبیره بسیار و از آنجمله است: یأس و نومیدی از رحمت خداوند متعال و أمن از مکر الله تعالی. و دروغ بستن بخدا یا برسول الله صلی الله علیه وآله یا باوصیانش علیهم السلام، و قتل نفس بناحق، و عقوق والدین، و اکل مال یتیم بظلم، و افتراء به زن عقیقه و فرار از میدان جنگ، و قطع رحم، و یحیر، و زنا، و لواط، و دزدی، و قسم دروغ و کتمان شهادت، و شهادت بیاطل، و نقض عهد، و جور و تجاوز در وصیت «باین معنی که تمام یا اکثر اموالش را وصیت نماید و ورثه را از ارث محروم سازد»، و بیگساری، و ربا خواری و حرام خواری، و قمار، و اکل مبه و خون و گوشت خوک و ذبیحه بغیر وجه شرعی بدون ضرورت، و خیانت در کیل و وزن، و تعرب بعد از هجرت «باده نشینی و سکونت در بلده شرک و کفر» و کمک کردن بستمگران، و رکون و اعتماد بآنان، و حبس حقوق بدون عذر، و دروغگوئی و کبر و اسراف و تبذیر، و خیانت، و غیبت و نقامی، و اشتغال بلبه و سبک شمردن حج، و ترک نماز، و منع زکاة، و اصرار بر صفائت از گناهان، و اقا شرک ورزیدن بخداوند متعال، و انکار ما انزل الله و محاربه با اولیائش از اکبر کبائر است». - (تحریر الوسیله ج ۱

امن از مکرالله تعالی مضافاً باینکه کبیره بودنش از قرآن کریم بطور وضوح استفاده میشود در روایات متواتره از آل البیت علیهم السلام نیز آمده است ما بجهت تبرک و استحضار خاطر خوانندگان محترم، روایت حضرت سیدعبدالعظیم بن عبدالله علیه الرحمة مدفون در شهر ری را نقل بترجمه می کنیم:

سیدبزرگوار میگوید: جواد الائمه علیه السلام برایم حدیث کرد، فرمودند شنیدم از پدرم «امام رضا علیه السلام» میفرمود که از پدرم موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که میفرمودند: عمرو بن عبید (شریک و اصل بن عطاء در تأسیس مذهب اعتزال) خدمت امام صادق علیه السلام رسید و بعد از سلام و نشستن، این آیه را تلاوت کرد: «الذین یجتنبون کبائر الاثم والفواحش» (نجم: ۳۳) سپس دم فرو بست، پس امام صادق علیه السلام بوی فرمودند: چرا ساکت شدی؟ عرض کردم: دوست داشتم که معاصی کبیره را از طریق کتاب الله تعالی بشناسم. امام علیه السلام فرمودند: آری ای عمرو:

بزرگترین کبائر شرک بخداوند متعال است که در آیه ۷۲ از سوره مائده می فرماید: «ومن یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة»: هرکس بخداوند شرک ورزد حتماً خداوند بهشت را براو حرام خواهد فرمود.

و بعد از شرک بخداوند متعال، نومیثی از رحمت اوست زیرا میفرماید: «لابیأس من روح الله الا القوم الکافرون». (یوسف: ۸۷). یعنی: از رحمت خداوند متعال مأیوس نمیشوند مگر گروه کافران.

سپس امن از مکر خداوند است که میفرماید: «ولا یامن مکرالله الا القوم الخاسرون». (اعراف: ۹۷). یعنی: از مکر و غافلگیری خدا احدی خود را در امان نمی بیند مگر قوم زیانکار.

و از آنجمله، عقوب والدین است که خداوند متعال، عاق والدین را در سوره مریم - جبار و شقی قرارداد است.

و دیگر قتل نفس است بناحق که در باره قاتل عمد فرموده: کيفراو خلود در جهنم است. (ساء: ۹۵)

و دیگر افتراء بستن بزن عقیفه است که مفتری را ملعون دنیا و آخرت ساخته و عذاب بزرگ برایش مقرر فرموده (نور: ۲۳)

واکل مال یتیم است که آتش خواری نامیده است (ساء: ۱۱).

و فرار از میدان جنگ است که مغضوب خدا و جایگاهش

جهنم است (انفال: ۱۶).

و ربا خواری است که ربا خواری را شیطان زده معرفی فرموده است (بقره: ۲۷۶).

و دیگر سحر است که ساحر را از نعمتهای اخروی بی نصیب اعلام داشته است (بقره: ۱۰۶).

و دیگر زنا است که زانی را بعد از مصلحت دو برابر مبتلا می فرماید (قرآن: ۶۸ و ۶۹).

و دیگر قسم دروغ است که مرتکب آن از رحمت اخروی بی بهره است (آل عمران: ۷۱).

و دیگر خیانت است که خائن با همان چیزی را که خیانت نموده روز قیامت آورده می شود (آل عمران: ۱۶۱).

و منع زکات واجب است که بوسیله همان مال زکاة نداده شکنجه میشود (توبه: ۳۵).

و شهادت باطل و کتمان شهادت که از آلوده جانی نشأت میگیرد (بقره: ۲۸۳).

و میخوارگی، زیرا خداوند متعال نهی از آن را همپایه نهی از بت پرستی قرارداد است.

و ترک نماز عمداً یا تبرک هر واجبی زیرا رسول الله فرمودند: هر که عمداً نماز را ترک نماید از حوزه امان خدا و رسول الله بیرون است.

و پیمان شکنی، و قطع رحم که درباره قاطع رحم فرموده: «لهم اللعنة ولهم سوء الدار» (رعد: ۲۵).

فرمودند: پس - این هنگام - عمرو بن عبید از خدمت امام صادق علیه السلام بیرون رفت در حالی که ناله گریه اش بلند بوده و میگفت: هلاک باد هر خود رأیی و هر که در فضل و علم با شما

- آل البیت علیهم السلام - منازعه کند» (غیر دوم از باب ۱۶ از ابواب جهاد نفس کتاب وسائل الشیعه).

در عدد کبائر بین اعلام نیز اختلاف است، حتی صاحب جواهر علیه الرحمه نظری که از ابن عباس: «هفتصد بودن معاصی کبیره نزدیکتر به صواب است از هفت یا هفتاد» نقل شده بلحاظی موجه شمرده اند.

باری بحث از امن از مکرالله تعالی، موجب گردید که از مطلق معصیت کبیره بحثی اجمالاً بمیان آمد و توفیق نقل پاره ای از روایات مربوطه را یافتیم. والحمد لله رب العالمین.

ادامه دارد